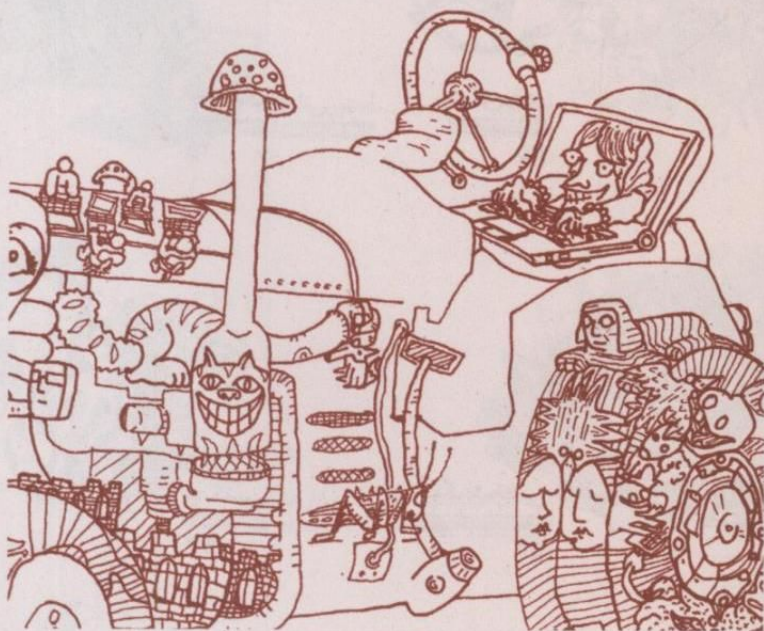


استیو جابز غلط کرد باتو

خاطرات یک کپی‌رایتر دون‌پایه | آزاده رحیمی



تصویرسازی: مصطفی اوصانلوی



سرشناسه: رحیمی، آزاده، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: استیو جابز غلط کرد با تو؛ خاطرات یک کیپی رایتر
دون پایه / نویسنده آزاده رحیمی.

مشخصات نشر: تهران: نشر اطراف، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۳۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: خاطرات یک کیپی رایتر دون پایه.

رده بندی کنگره: HF۵۴۱۵/۱۲

رده بندی دیویی: ۶۵۸/۸۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۳۱۰۷۹

تجربه‌ی محیط کار-۳

استیو جابز غلط کرد با تو

آزاده رحیمی / تصویرسازی: مصطفی اصانلوی



اطراف

ویرایش: زهره ترابی

بازبینی نهایی متن: فاطمه ستوده

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: کارگاه نشر اطراف

چاپ: کاج

صحافی: نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۳۴-۱

چاپ نهم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای و نشر اطراف محفوظ است. هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است. نقل برش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه‌ی تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱ تلفن: ۲۲۹۰۳۹۷۵

Atraf.ir

فهرست



اکوسیستم استارت آپی

www.iranecology.com

۱۳



شبکه سازی

www.iranecology.com

۳۵



تیم سازی

www.iranecology.com

۲۵



برندینگ شخصی

www.iranecology.com

۵۳



لینکدین

www.iranecology.com

۴۳



پی آر
۷۳



اوکی آر
۶۳



استوری تلینگ
۹۱



ورکشاپ
۸۳



بازار هدف
۱۰۹



فرهنگ سازمانی
۱۰۱



توسعه‌ی فردی

توسعه‌ی فردی

۱۲۵



اُپن آفیس

اُپن آفیس

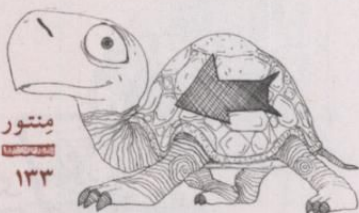
۱۱۷



استراتژی

استراتژی

۱۴۱



میتور

میتور

۱۳۳



آینده‌ی خلق شده

آینده‌ی خلق شده

۱۵۹



جلسه‌ی اثربخش

جلسه‌ی اثربخش

۱۵۱

سخن ناشر

کسب و کارهای نوپا کم‌کم ادبیاتِ درون‌گروھی برای خودشان می‌آفرینند و قصه‌های سازمانی، نظام رفتاری، الگو و سبک زندگی منحصر به خودشان را پدید می‌آورند. معمولاً استارت‌آپ‌ها اصرار دارند سبک زندگی سازمانی‌شان، بیشتر شبیه هم‌قطاران خودشان در سراسر دنیا باشد تا شبیه آداب و فرهنگ سرزمینی که در آن شکل گرفته‌اند، اما تجربه ثابت کرده جدا کردنِ دنیای محصور میان دیوارهای رنگی و شیشه‌ای از فضای بیرون ممکن نیست. در نهایت، سبک زندگی درونی اکوسیستم‌های استارت‌آپی با سبک زندگی و فرهنگ کشوری که بستر رشدشان بوده، ترکیب می‌شود و در هر منطقه و کشوری تجربه‌ی کاری خاص خود را می‌سازد.

کسب و کارهای ایرانی هم این روزها با سرعت زیاد پوست می‌اندازند و نو می‌شوند. آن‌ها هم ناگزیرند به دنیایی تازه با روابط انسانی و قواعد، هنجارها و حتی زبان خاص خودش پا بگذارند. این جابه‌جایی و زندگی در سرزمین جدید و ناشناخته، دانسته و ندانسته، بر نگرش و هویت همه‌ی اجزای سازمان تاثیر می‌گذارد. در این

شتاب بی‌محابا، اگر به نیروی انسانی و مسائل و نیازهایش توجه نشود، اولین قربانیان تغییرات هیجان‌زده، همان امیدوارانی هستند که مشتاقانه به شکل تازه‌ی کار اعتماد کرده‌اند. مدیریت نادرست فضای استارت‌آپی می‌تواند از این امیدواران، آدم‌های دلزده و افسرده‌ای بسازد که جسارت دورخیز برای اهداف بلند را برای همیشه از دست داده‌اند. یکی از گام‌های مهم برای مهار این شتاب‌کور و عقلانی‌کردن سرعت حرکت به سمت تغییر، ثبت دقیق اتفاقات و احوالات است. اگر اعضای اکوسیستم از آنچه روزانه بر آن‌ها می‌گذرد، بنویسند، مسیر رشد و حرکت کسب‌وکارها از منظر کیفیت زندگی و معیارهای انسانی هم قابل ارزیابی می‌شود.

نشر اطراف مجموعه کتاب‌های «روایت تجربه» را برای مستندسازی تجربه‌های زندگی در موقعیت‌های نوظهور و به منظور ثبت آنچه دنیای معاصر را شکل و تغییر می‌دهد، منتشر می‌کند. از شاخه‌های مهم روایت تجربه، «تجربه‌ی محیط کار» است که فرصتی است برای روایت فراز و فرود کسب‌وکارهای نو و شرح زندگی و گذران روزها در این مشاغل؛ روایت دگرگونی نقش‌ها، حس‌ها و فکرها در سبک زندگی فناورانه.

در این مجموعه تا کنون دو کتاب ترجمه‌ی اتاق کار و مصائب من در حباب استارت‌آپ در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. تهیه و برنامه‌ریزی برای کتاب‌های تألیفی درباره‌ی تجربه‌ی محیط کار در ایران را حتی پیش از ترجمه‌ها شروع کردیم ولی آماده‌سازی این کتاب‌ها زمان برد و ترجمه‌ها زودتر متولد شدند. استیو جابز غلط کرد با تو اولین کتاب از روایت‌های تألیفی این مجموعه است. بیشتر روایت‌ها و مستندنویسی‌هایی که از کسب‌وکارهای نو در رسانه‌ها و مطبوعات دیده‌ایم داستان مدیران و بنیان‌گذارانی بوده که با ثبت روایت پیروزی یا شکست‌شان هم در پی برندسازی دوباره بوده‌اند. از هزاران نفری که در مشاغل میانی و رده‌های پایین‌تر کار می‌کنند معمولاً روایت و نقل و خاطره‌ای در دست نیست. استیو جابز غلط کرد با تو از این نظر ارزشمند است که برای بازتولید همان

«ادبیات موفقیت» مرسوم نوشته نشده، روایتی جسورانه و پیش‌گامانه برای نوشتن از شکست و نقاط ضعف ولی نه برای جلب توجه مخاطب به موفقیت‌های بعدی همان برند قبلاً شکست خورده. نویسنده‌ی این کتاب به وضعیت نمایشی، خودنمایانه و جعلی بعضی از استارت‌آپ‌هایی که با آن‌ها (چه برای مصاحبه و چه برای همکاری) سروکار داشته نگاهی انتقادی دارد و نقد گلایه‌آمیزش از نحوه‌ی برخورد مدیران با کپی‌رایترها و آفرینندگان و فراهم‌کنندگان محتوا که بخش مهمی از بدنه‌ی اکوسیستم‌اند، باعث شده این کتاب طعم طنز تلخ و گزنده‌ای داشته باشد و گاهی به هجو پهلوی بزند. نشر اطراف با تصویرسازی‌های خلاق مصطفی اصانلوی، همین لحن طنز گزنده را تقویت کرد تا حاصل همراهی متن و تصویر، به محصولی جذاب تربینجامد. استیو جابز غلط کرد باتو تلاشی ست برای بازنمایی زندگی روزانه و دغدغه‌های روزمره در محیط‌های به ظاهر شاد و خوش‌آب‌ورنگ و از آن مهم‌تر، دعوت و فراخوانی ست برای این‌که دیگران هم شرحی از زندگی کاری‌شان بنویسند.

یادداشت مؤلف

از استخدام اولین دبیران و دیوان سالاران نظام‌های اداری، عمر درازی گذشته است. در میان آثار باستانی و متون کهن کشورهای مختلف کتیبه‌ها و اسنادی هست که ساختار نظام اداری دوران گذشته را نشان می‌دهد. از نظام اداری دوران معاصر هم آن قدر سند و نامه و رونوشت به این مدیر و آن سرپرست برجا می‌ماند که بررسی‌شان شاید ده برابر کل کار تیم باستان‌شناسان و نسخه‌پژوهان اسناد کهن زمان ببرد. آنچه داخل اتاق‌های دوسوی راهروهای ادارات رخ می‌داد، در قالب کتاب و فیلم و سریال بازنمایانده شده‌اند تا بشر به نوعی دوران پشت میزنشینی‌اش راهم برای آیندگان ثبت کند. اما با قدم گذاشتن به عصر فناوری دیجیتال وارد دوران جدیدی از نظام اداری شده‌ایم که هنوز آن را روایت و ثبت نکرده‌ایم.

استارت‌آپ‌ها هیپسترهای اداره‌جات‌اند که رهبران‌شان دائم درس‌خبرانی‌هایشان تکرار می‌کنند که می‌خواهند دنیایی بهتر خلق کنند. محیط‌های رنگارنگ اداری با انواع تفریحات و سرگرمی آمده‌اند تا هم‌تایان قدیمی خود با آن دیوارهای طوسی و

کرم‌رنگ و الفاظ اتوکشیده را به عقب برانند. خیل جوانان مشتاق تحصیل کرده در آپارتمان‌های نقلیِ اجاره‌ایِ استارت‌آپی‌های نوپا تلاش می‌کنند جا پای رهبران مشهور و پرسروصدای اکوسیستم استارت‌آپی بگذارند و فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند. اما در مقایسه با عمر دراز اداره‌جات تاریخ معاصر، زمان زیادی لازم است تا این ساختار جدید قوام بگیرد و قصه‌ها و واقعیت‌هایش ثبت شود.

از شکل‌گیری اکوسیستم استارت‌آپی آمریکا تنها پنجاه سال گذشته است و عمر کپی‌های اجراشده‌ی آن در کشورهای دیگر از این هم کمتر است. اگرچه تحلیلگران و کارشناسان اکوسیستم استارت‌آپی ایران می‌گویند استارت این نظام نوین در دهه‌ی هفتاد شمسی زده شده است اما ما در نقش کاربران انواع وب‌سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها از اوایل دهه‌ی نود شمسی حضور استارت‌آپی‌های ایرانی برایمان ملموس شده است. اکوسیستم استارت‌آپی شبیه طفل نوپای بیش‌فعالی است که به جای تاتی کردن اصرار دارد بدود. مثل تمام پدیده‌های نوظهور، واکنش‌ها نسبت به این پدیده‌ی مهم و پرسروصدای عصر فناوری، هنوز هیجانی و شتابزده‌اند. مثل واکنش من. مثل این کتاب که حاصل و شامل قضاوت هیجانی و شتابزده‌ی من درباره‌ی بخش کوچکی از اکوسیستم استارت‌آپی است.

آن‌چه تا به حال درباره‌ی اکوسیستم استارت‌آپی ثبت شده، بیشتر تجربیات بنیان‌گذاران و افراد موفق است و عمدتاً کارکردی آموزشی دارد. در میان انبوه کتاب‌ها و سخنرانی‌ها و پادکست‌ها و گزارش‌رویدادها جای روایت‌های شخصی خالی است. ثبت تجربیات موفق یا شکست‌خورده‌ی آن‌هایی که در موقعیت‌های مختلف اکوسیستم مشغول به کارند، می‌تواند به تدریج در درک نسبتاً جامعی از این نظم نوین کمک‌مان کند. شاید نوشتن خاطرات دوران کاری و روند منجر به شکست در این اکوسیستم، یک گوشه از کار ثبت روایت‌های شخصی در کسب‌وکارهای نورا به عهده بگیرد.

طبیعی است که روایت پیش‌رو فقط بازتاب بخش کوچکی از جامعه‌ی کوچک و رو به رشد استارت‌آپی است. من شهریور ۹۴ با عنوان کارشناس تولید محتوا وارد

اکوسیستم استارت‌آپی شدم و اسفند ۹۷ در قامت همان کارشناس تولید محتوای دون پایه از آن خارج شدم. بیست و نه ماه از این مدت را در یکی از استارت‌آپ‌های معروف کار کردم و همزمان تلاش می‌کردم محل کارم را داخل اکوسیستم عوض کنم و به این ترتیب رکورد تازه‌ای را در ارسال رزومه به شرکت‌های گوناگون و حضور در جلسات مکرر مصاحبه‌ی کاری به ثبت رساندم. در نهایت بعد از محل کار اولم، موفق شدم سه ماه در یک استارت‌آپ کوچک کار کنم که عمرش به دنیا نبود و در همان مراحل اولیه‌ی شکل گرفتن از هم پاشید و ادامه‌ی فعالیتش منتفی شد.

بیشتر روایت‌های این کتاب مربوط به دوران بیست و نه ماهه‌ی کاری‌ام در شرکت اول و قرارهای مصاحبه‌ی ناکام و پرتعداد است. آوردن نقل قول از آدم‌های موفق و شخصیت‌ها و نویسندگان معروف، یک سنت جا افتاده در فرم نوشتن متون استارت‌آپی است. با بهره‌گیری از این سنت، در ابتدای هر فصل یک نقل قول از یک نویسنده یا شخصیت معروف نوشته شده است که همه را از متن‌های آموزشی استارت‌آپی پراکنده در وب برداشته‌ام. ادعایی درباره‌ی سندیت‌شان ندارم و راست و دروغش را می‌گذارم به عهده‌ی نویسندگان صفحات همان وب‌سایت‌ها. اول هر فصل هم کلمات متداول در کسب و کارها را از نگاه خودم - یک کپی‌رایتر دون پایه - برای تازه‌واردها توضیح داده‌ام که آن‌ها هم هیچ منبعی ندارند.